

بررسی تطبیقی بن‌مایه‌های مشترک در ادبیات عاشقانهٔ درباری (رمانس تریستان و ایزوت و منظومهٔ خسرو و شیرین)

نجمه دُری^۱، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس
پرنیان زارع‌پور، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

رمانس تریستان و ایزوت، مانند منظومهٔ خسرو و شیرین، عاشقانهٔ درباری معروفی است و خاستگاه آن ادبیات فرانسه است. هدف از پژوهش حاضر اشاره به برخی از بن‌مایه‌های مشترک غنایی در ادبیات جهان و علل شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها در سایهٔ بررسی بن‌مایه‌های دو داستان عاشقانهٔ درباری غربی و شرقی است. برای دستیابی به این هدف، بن‌مایه‌های آثار یادشده در پنج گروه شخصیت‌ها؛ عناصر اساطیری، افسانه‌ای و جادویی؛ عناصر طبیعی و نمادین؛ مفاهیم، موضوعات و حوادث؛ و مکان‌ها مشخص و ویژگی‌های بن‌مایه‌های برجسته در هر گروه واکاوی شد. در نتیجهٔ این فرایند ۱۱۶ بن‌مایه در قالب جدول به نمایش درآمد و دوازده بن‌مایه از آنها بررسی و تحلیل شد. شباهت‌های کلی بن‌مایه‌ها برخاسته از شباهت نوع ادبی آثار، یعنی ژانر غنایی و زیرژانر عاشقانهٔ درباری است. شباهت در جزئیات داستان‌ها نیز به روح مشترک بن‌مایه‌های جهانی و کهن‌الگوها مربوط می‌شود. تفاوت‌های جزئی ناشی از اختلاف سلیقهٔ پدیدآورندگان داستان‌ها و بستر فرهنگی و عقیدتی متفاوت در جوامع است.

کلیدواژه‌ها: تریستان و ایزوت، خسرو و شیرین، بن‌مایه‌های غنایی، رمانس، عاشقانهٔ درباری

1. Email: najmeh@dorri.org (نویسندهٔ مسئول)

مقدمه

تریستان و ایزوت رمانسی برون‌مرزی با روایت‌های مختلف در اروپاست و به نظر می‌رسد وجه برون‌مرزی خسرو و شیرین کمتر از آن باشد. البته در فرانسه، انگلیس، آلمان و ترکیه نیز نمونه‌هایی از خسرو و شیرین اقتباس یا اصل داستان ترجمه شده است (آذر و نجفی ۳۵-۳۹؛ بیگدلی ۲۵-۲۶). با این حال، مسلم است که هر دو اثر عضو ماندگار مجموعه «ادبیات جهان» هستند. «ادبیات جهان دربرگیرنده آن آثار ادبی است که در فراسوی خاستگاه فرهنگی خود، چه به صورت ترجمه و چه به زبان اصلی، سیر و گردش می‌کنند» (دمراش، به نقل از انوشیروانی ۳۶).

تشابه بن‌مایه‌ها در «ادبیات جهان» بیشتر نمود دارد، زیرا گردش آثار ادبی برخاسته از نیازهای مشترک مخاطبان و متأثر از حقیقت ناخودآگاه جمعی انسان‌ها در ادوار مختلف است، به طوری که کهن‌الگوهای مشترک به خلق بن‌مایه‌های مشابه می‌انجامد. «پایه نقد کهن‌الگویی این است که کهن‌الگوها — تصاویر، شخصیت‌ها، طرح‌های روایی و درون‌مایه‌های نوعی و سایر پدیده‌های نوعی ادبیات — در تمام آثار ادبی حضور دارند» (مکاریک ۴۰۱).

گذشته از تشابه کهن‌الگویی، تشابه ساختار زیرژانرها اصلی‌ترین عامل شباهت آثار ادبی است. این امر در خسرو و شیرین و تریستان و ایزوت نیز صادق است، زیرا هر دو اثر از نوع غنایی، عاشقانه و درباری هستند. تریستان و ایزوت رمانسی شهسواری و حکایت عشق درباری همراه با وجه حماسی است (رک: بیر ۸-۱۱). البته در آن، بر خلاف حماسه، عوامل فوق‌طبیعی به این جهان ربط پیدا می‌کنند و تأثیر جادو و طلسم مهم است (آبرامز و گالت هرهم ۵۹). خسرو و شیرین نیز بدون وجه حماسی، فضایی عاشقانه و درباری مشابه رمانس تریستان و ایزوت دارد. فضای قصر نیز که جزء لاینفک رمانس است، بن‌مایه‌های مرتبط با خود را نمایان می‌کند، مانند بداندیشان دربار و طرد شدن از دربار که در هر دو داستان نمود دارد و عامل شباهت آنهاست.

با توجه به زمینه‌های شباهت در داستان‌های تریستان و ایزوت و خسرو و شیرین، به نظر می‌رسد بن‌مایه‌های غنایی فراوان و مشترکی در آنها باشد. شناسایی، طبقه‌بندی، مقایسه و تحلیل این بن‌مایه‌ها وجوه شباهت و تفاوت آثار غنایی کهن، به‌ویژه

عاشقانه‌های درباری، را بیش از پیش معلوم می‌کند. همچنین کهن‌الگوها و دغدغه‌های غنایی مشترک انسان‌ها را در دایره «ادبیات جهان» نشان می‌دهد. پژوهش حاضر، با هدف پیگیری موارد مذکور، تقریباً همه بن‌مایه‌های اصلی و فرعی آثار موردبررسی را مشخص و آنها را با هم مقایسه می‌کند.

پیشینه پژوهش

- در مورد رمانس *تریستان و ایزوت* پژوهش‌های داخلی متعددی انجام شده است:
- ستاری (۱۳۷۷) در مقاله «اسطوره‌الگوی ایرانی *تریستان و ایزوت*» نظریات پژوهشگران را درباره ریشه‌های مشترک داستان *تریستان و ایزوت* و ویس و رامین و شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو داستان می‌کاود. به این آثار در دیگر پژوهش‌ها نیز پرداخته شده، اما آنچه تاکنون مغفول مانده، وجوه تشابه بن‌مایه‌های رمانس *تریستان و ایزوت* با منظومه خسرو و شیرین است، چیزی که در مقاله حاضر به آن می‌پردازیم.
 - اسلامی ندوشن (۱۳۴۶) در مقاله «ویس و ایزوت» ضمن مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های دو داستان *تریستان و ایزوت* و ویس و رامین، اپرای *تریستان و ایزوت* ساخته واگنر را نیز بررسی می‌کند.
 - دامغانی ثانی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه ویس و رامین و *تریستان و ایزوت*»، شباهت‌ها و تفاوت‌های محتوایی دو اثر را بررسی می‌کند.
 - گودرزپور عراق (۱۳۸۸) در مقاله «تطبیق دو اثر منظوم *تریستان و ایزولد* اثر گوتفرید فون اشترااسبورگ و ویس و رامین از فخرالدین اسعد گرگانی»، ضمن بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دو داستان، تأثیرات متقابل ادبیات ایران و آلمان در قرون وسطی را مطرح می‌کند.
 - شادآرام و دیگران (۱۳۸۹) در مقاله «نقش زنان در دو داستان *تریستان و ایزوت* و ویس و رامین»، زمینه‌های شکل‌گیری عشق به زنان در این داستان‌ها و شخصیت‌های مؤثرت آنها را بررسی می‌کنند.

- شادآرام و درودیان (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تریستان و ایزوت و ویس و رامین» وجوه اشتراک و افتراق ادبی و فرهنگی دو اثر را تبیین کرده‌اند.
 - ممتحن و شایسته‌فر (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تطبیق دو داستان ویس و رامین و تریستان و ایزوت» شباهت‌ها و تفاوت‌های محتوایی دو داستان را بررسی کرده‌اند.
 - راستگوفر و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله «شکل‌شناسی تطبیقی غم‌نامه‌ها» ساختار کم‌وبیش همانند داستان‌های عاشقانه تریستان و ایزوت، رومئو و ژولیت، لیلی و مجنون، ورقه و گلشاه، هیر و رانجها را بازنمایی کرده‌اند.
 - خاتمی و طالشی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تطبیقی داستان لیلی و مجنون با ایزوت و تریستان» به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو داستان پرداخته‌اند.
 - محمدکاشی و دیگران (۱۳۹۴) در «تحلیل و مقایسه کهن‌الگویی قصه‌های عاشقانه در ایران (سمک عیار) و فرانسه (تریستان و ایزولت)» به مقایسه کهن‌الگویی عشق رمانتیک و پایان خوش و ناخوش در قصه «تریستان و ایزولت» و «خورشیدشاه و مه‌پری» در رمانس سمک عیار پرداخته‌اند.
- پژوهش‌های انجام‌شده بیشتر به مقایسه تریستان و ایزوت با ویس و رامین اختصاص دارند. با وجود تأیید شباهت‌های انکارناپذیر این دو اثر، اگر نیک بنگریم، درمی‌یابیم که فضای درباری تریستان و ایزوت با خسرو و شیرین شباهت بیشتری دارد و وجوه اشتراک برخی بن‌مایه‌ها، مانند بن‌مایه رقبا، در آنها مشهودتر است. پژوهش حاضر بر مطالعه و تحلیل تطبیقی بن‌مایه‌های داستانی در تریستان و ایزوت و خسرو و شیرین نظامی متمرکز است.

خلاصه داستان خسرو و شیرین

خسرو پرویز وصف شیرین، جانشین فرمانروای سرزمین ارمن، را از زبان ندیم خود، شاپور، می‌شنود و شیفته می‌شود. آن‌ها جداگانه به ارمن و ایران سفر می‌کنند و در راه یکدیگر را می‌بینند، اما نمی‌شناسند. زمانی که بهرام تخت شاهی خسرو را غصب

می‌کند، او به ارمن می‌گریزد و دیدار با شیرین میسر می‌شود. خسرو از شیرین کام می‌خواهد و شیرین شرط ازدواج به کابین را می‌نهد. خسرو قبول نمی‌کند و به روم می‌رود تا به یاری قیصر روم تخت شاهی را از بهرام پس بگیرد. در آنجا با مریم، دختر قیصر، ازدواج می‌کند و بهرام را شکست می‌دهد. شیرین در پی خسرو به ایران می‌آید و فرهاد کوه‌کن عاشقش می‌شود. خسرو به حيله سبب خودکشی فرهاد می‌شود. در همین اثنا، مریم نیز فوت می‌کند. خسرو باز هم از شیرین کام می‌خواهد و ناکام می‌ماند. او با شکر اصفهانی ازدواج می‌کند و چندی بعد دوباره به سراغ شیرین می‌رود و به طور رسمی ازدواج می‌کنند. شیرویه، پسر خسرو و مریم، به شیرین علاقه‌مند می‌شود و پدر را به قتل می‌رساند و از شیرین خواستگاری می‌کند. شیرین نیز وفادارانه بر بالین خسرو خودکشی می‌کند.

خلاصه داستان ترستان و ایزوت

ترستان^۱، خواهرزاده مارک^۲ شاه، پادشاه کورنوا^۳ بود. روها^۴ که از فرماندهان لونوا بود، پس از مرگ پدر و مادر ترستان، او را به خوبی بزرگ می‌کند. ترستان در جوانی و در جایگاه شوالیه‌ای شایسته به خدمت دایی‌اش درمی‌آید. مارک شاه زن و فرزندى ندارد و ترستان به ایرلند می‌رود تا ایزوت^۵ زرین‌موی را برای او خواستگاری کند. در سفر بازگشت، عروس و ترستان ناخواسته شربتی جادویی را، که سبب عشق ابدی می‌شود، می‌نوشند. آنان بارها ناگزیر و پنهانی به مارک شاه خیانت می‌کنند. مارک شاه آگاه می‌شود و پس از تنش‌های بسیار ترستان را از کشور می‌راند. ترستان به کمک شاه برتانی^۶ می‌رود و با دختر او، ایزوت سپیددست، ازدواج می‌کند اما بر اثر عشق ایزوت زرین‌موی با عروس سردی می‌کند. در جنگی که ترستان در خدمت شاه برتانی است، زخمی زهرآگین برمی‌دارد و شفای او به دست ایزوت زرین‌موی مقدر است، ولی پیش از رسیدن ایزوت زرین‌موی به بالینش، بر اثر ناامیدی از آمدن معشوق،

1. Tristan
2. Mark
3. Cornouaille
4. Rohalt
5. Iseult
6. Bertani

می‌میرد و ایزوت زرین‌موی نیز، پس از رسیدن به بالین تریستان، از شدت غم در آغوش او جان می‌سپارد.

بحث و بررسی

پیش از ورود به بحث اصلی، لازم است در خصوص مفهوم بن‌مایه و کارکردهای بن‌مایه‌شناسی توضیح دهیم. بن‌مایه‌های داستانی، در موقعیت روایی خاص و به سبب تکرار شونده‌گی، به عناصری تپیک و نمونه‌وار در یک یا چند اثر داستانی هم‌زمان یا ناهم‌زمان در میان یک قوم یا اقوام مختلف بدل می‌شوند (رک: میرصادقی ۵۷-۵۸؛ پارسانسب ۲۲). مطالعه تطبیقی بن‌مایه‌ها کارکردهای متنوعی دارد، از جمله این‌که بدانیم چگونه از یک موضوع، در دوران و جوامع مختلف، استفاده شده است و چگونه دغدغه‌های ملت‌ها در شخصیت‌های ادبی متجلی می‌شود. این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که بن‌مایه‌ها سبک‌های متفاوتی دارند و بن‌مایه‌شناسی از بررسی ژانر ادبی جدا نیست (رک: پراور ۹۳-۹۴)، زیرا نوع ادبی در چگونگی و میزان نمود بن‌مایه‌ها تأثیر دارد و مطالعات تطبیقی بن‌مایه‌شناسی منتقدان را در شناخت هرچه بیشتر ژانر آثار یاری خواهد کرد.

بن‌مایه‌های ابداعی و کهن‌الگویی نیز یکی از علل شباهت‌ها و تفاوت‌های داستان‌هاست و بررسی آن از دیگر کاربردهای مطالعات تطبیقی بن‌مایه‌شناسی است. برخی از بن‌مایه‌ها، به‌خصوص در آثار عصر جدید، جنبه ابداعی دارند، یعنی برای اولین‌بار به‌کار می‌روند و گاهی در دیگر آثار هم‌عصر خود نیز تکرار می‌شوند، مانند بن‌مایه «اصلاحات ارضی» در داستان‌های معاصر فارسی. اما برخی از بن‌مایه‌ها در تاریخ بشری ریشه دارند، در میان فرهنگ‌های مختلف تکرار می‌شوند و صرفاً چگونگی بیان آنها در اعصار مختلف تغییر می‌کند، مانند بن‌مایه عشق، خیانت، وطن‌دوستی و

علاوه بر موارد یادشده، طبقه‌بندی بن‌مایه‌های غنایی تسهیل‌کننده روند بررسی داستان‌ها نیز هست. در این مقاله بن‌مایه‌های مرتبط با داستان‌های غنایی مشخص می‌شود و گزیده‌ای از آنها بررسی و تحلیل خواهد شد.

گونه‌ای از طبقه‌بندی چنین است: اشخاص مانند عاشق و کنیز؛ عناصر طبیعی، اساطیری و افسانه‌ای مانند درخت و اژدها؛ اشیای جادویی، افسانه‌ای، نمادین و متبرک مانند انگشتری و تار مو؛ مفاهیم، موضوعات و حوادث مانند بیماری عاشق و عشق‌های حاشیه‌ای؛ مکان‌های عام مانند دریا و مشرق (ذوالفقاری ۷۸-۷۹). طبقه‌بندی یادشده گامی مؤثر در پژوهش‌های بن‌مایه‌شناسی است اما برخی از بن‌مایه‌هایی که در یک گروه قرار گرفته‌اند با یکدیگر تناسب کافی ندارند، مثلاً بن‌مایه طبیعی درخت با بن‌مایه افسانه‌ای اژدها متجانس نیست. ما با تغییراتی در طبقه‌بندی یادشده، بن‌مایه‌ها را به پنج دسته تقسیم می‌کنیم: شخصیت‌ها؛ عناصر اساطیری، افسانه‌ای و جادویی؛ عناصر طبیعی و نمادین؛ مفاهیم، موضوعات و حوادث؛ مکان‌ها. ممکن است برخی از بن‌مایه‌ها در دو گروه قرار بگیرند، بنابراین در بررسی به وجه غالب آنها توجه می‌شود.

۱. بن‌مایه شخصیت‌ها

در *تریستان و ایزوت و خسرو و شیرین*، شخصیت‌های اصلی و فرعی، از نوع انسانی یا حیوانی، عمدتاً وجه بن‌مایگی دارند. اما گاهی به لحاظ شخصیت‌پردازی و نقش مثبت و منفی با یکدیگر متفاوت هستند. اینک به بررسی برخی از این بن‌مایه‌ها می‌پردازیم.

۱.۱ بن‌مایه رقیب

در هر دو اثر جایگاه رقیب و عاشق به یکدیگر نزدیک است، به طوری که *تریستان و مارک‌شاه عاشق ایزوت و رقیب یکدیگر هستند*، *خسرو، فرهاد و شیرویه* نیز همین‌طور. علی‌رغم رقابت‌های دوطرفه میان عاشق و رقیب، در نهایت باید گفت که *مارک‌شاه، فرهاد و شیرویه* نقش رقیب را دارند و *تریستان و خسرو* نقش عاشق. برخلاف نزدیکی جایگاه عاشقان در هر یک از داستان‌ها، جایگاه معشوق و رقیب او با یکدیگر فاصله زیادی دارد و هم‌سطح نیستند، *ایزوت زرین‌موی و شیرین* نقش معشوق را دارند و *ایزوت سپیددست، مریم و شکر اصفهانی* نقش رقیب.

مارک‌شاه و تریستان هر دو میل به سپیدی دارند و نمی‌خواهند مایه آزار طرف مقابل باشند، اما *مکر بداندیشان و خیانت در حرم پادشاه و ناتوانی تریستان و ایزوت* در

پرهیز از عشق، مارک‌شاه را ناچار به بدگمانی می‌کند: «مارک‌شاه نتوانست از بدگمانی بپرهیزد. او نیز، به خلاف دلخواه، خواهرزاده و شهبانوی خویش را نگران شد» (بدیه ۲۰۰).

ایزوت سپیددست شخصیتی خاکستری دارد. او به‌رغم داشتن صفات نیکو، به دلیل کینه‌ای که از رفتار سرد ترستان به دل گرفته است، در مورد آمدن ایزوت زرین‌موی به ترستان دروغ می‌گوید و موجب مرگ او می‌شود. ایزوت سپیددست، پس از مرگ ترستان، مانند دیگر شخصیت‌های خاکستری، از کرده خود پشیمان می‌شود، اما دیگر سودی ندارد: «در اتاق ترستان، ایزوت سپیددست از آن بد که کرده بود هراسناک شده، بر نعش ترستان افتاده بود و ناله‌های زار برمی‌آورد» (همان ۲۷۸).

در داستان خسرو و شیرین، فرهاد شخصیتی سپید است و، از فرط یکرنگی، خبر مرگ شیرین را بدون تردید باور می‌کند و این چنین جان می‌سپارد:

چو افتاد این سخن در گوش فرهاد ز طاق کوه چون کوهی درافتاد
برآورد از جگر آهی چنان سرد که گفתי دورباشی بر جگر خورد

(نظامی ۲۵۶)

مریم تا پایان حیاتش مانع وصال خسرو و شیرین می‌شود. هرچند میان مریم و فرهاد به لحاظ علو شخصیت فاصله زیادی هست، سرنوشت آنان به گونه‌ای مشابه است و هر دو بر اثر عملکرد همتای خود از دنیا می‌روند. فرهاد به زهر نیرنگ خسرو می‌میرد و مریم به زهر همت شیرین:

چنین گویند: شیرین تلخ زهری به خوردش داد ازان کو خورد بهری
وگر می‌راست خواهی، بگذر از زهر به زهرآلود همت بردش از دهر

(همان ۲۶۶)

شکر نیز رقیب شیرین است. او مانند ایزوت سپیددست ابتدا مورد توجه عاشق قرار می‌گیرد و سپس به علت غلبه کشش عاشق به معشوق اصلی، یعنی عشق خسرو به شیرین، طرد

می‌شود. شکر، برخلاف ایزوت سپیددست، نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت داستان ندارد و فقط در برهه‌ای، حضورش سبب اجتناب خسرو از مواجهه با شیرین می‌شود:

به شکر عشق شیرین خوار می‌کرد شکر شیرینی بر کار می‌کرد
چو بگرفت از شکر خوردن دل شاه بنوش آباد شیرین شد دگر را

(همان ۲۸۵)

شیرویه نیز شخصیتی سیاه است. او با کشتن پدرش موجب مرگ شیرین هم می‌شود و از این جهت نتیجه عمل او مشابه نتیجه عمل ایزوت سپیددست است، یعنی مرگ معشوق. به طور کلی، شباهت عملکرد رقبا در این دو اثر بیش از دیگر آثار مشابه، از جمله منظومه ویس و رامین، است.

۱.۲ بن‌مایه یاریگر قهرمان

تعدادی از شخصیت‌های داستان‌ها با یکدیگر همسو هستند، مانند برانژی‌بن، پری نیس و شاپور که ندیمان خیرخواه و یاریگران سروران خود هستند. برانژی‌بن و شاپور در ماجرا شخصیتی کلیدی دارند، زیرا عشق میان تریستان و ایزوت به واسطه اشتباه برانژی‌بن شکل می‌گیرد و، هرچند گرهی در زندگی آنان است، با یاری‌های او ادامه می‌یابد؛ در خسرو و شیرین نیز عشق و وصال با یاریگری شاپور شکل می‌گیرد و پیش می‌رود. در تریستان و ایزوت می‌خوانیم: «اگر کسی یاری نکند دلدادگان به زودی جان می‌سپارند، و جز برانژی‌بن کیست که یاریشان کند؟» (بدیه ۹۳).

شاپور نیز همواره نقش وصل‌کننده دارد:

شفاعت کرد روزی شه به شاپور که تا کی باشم از دلدار خود دور؟
بیار آن ماه را یک شب درین برج که پنهان دارمش چون لعل در درج

(نظامی ۱۹۸)

برخلاف شاپور، مهین بانو که در اصل یاریگر شیرین است، مانع اصلی «ازدواج به کابین» را پیش پای خسرو و شیرین قرار می‌دهد و از این جهت با دیگر یاریگران در دو داستان متفاوت است.

عملکرد کنیزان شیرین و خسرو نیز از جهتی مشابه و از جهتی متفاوت است. کنیزکان شیرین، از روی خیرخواهی و ترس از گرفتارشدن شیرین در عشق، سعی می‌کنند تا او تصویر خسرو را نبیند اما کنیزان خسرو از سر حسادت بر خلاف دستور خسرو، قصری دورافتاده برای شیرین می‌سازند. کنیزکان شیرین و خسرو در رمانس *تریستان و ایزوت* نظیر و مشابه ندارند.

بن‌مایه دوست و معلم نیز، مانند دیگر یاریگران، در *تریستان و ایزوت* نمودی پررنگ دارد. گورونال علاوه بر رابطه استادی و دیناس لیدانی و کاهردن علاوه بر رابطه دوستی با تریستان از یاریگران او هستند. البته مارک‌شاه نیز پیش از آن‌که از ماجرای خیانت آگاه شود، یاریگر تریستان محسوب می‌شد.

از آنجا که فضای رمانس، علاوه بر جنبه غنایی، وجه حماسی نیز دارد، حضور شخصیت‌های یاری‌دهنده قهرمان در آن لازم است اما در منظومه کاملاً غنایی خسرو و شیرین، با وجود رزم‌های خسرو و بدخواهان او، سایه امنیت بر داستان حاکم است و خطر یا تنگنای خاصی قهرمان را تهدید نمی‌کند. خسرو خود عامل پیدایش گره‌های داستان است و چندان به یاری‌دهنده نیاز ندارد اما تریستان شوالیه‌ای با سرنوشتی پرخطر است و به یاریگر نیاز دارد:

در آن روزگار که در کلبه چوبین کنار دریا افتاده بود و همه از گند جراحش گریزان بودند سه تن ماندند و یارش کردند: یکی گورونال و دیگری دیناس لیدانی و سومی مارک‌شاه. اکنون گورونال و دیناس باز بر بالینش بودند اما مارک‌شاه نمی‌آمد (بدیه ۹۲).

برخی از یاریگران قهرمان شبه‌شخصیت هستند، مانند دو سگ با نام‌های هوسدان و پتی‌کرو که به تریستان کمک می‌کنند. هوسدان وفادار، باهوش و یاری‌دهنده تریستان است و در ایام فراق، مایه شکیبایی ایزوت زرین‌موی می‌شود. پتی‌کرو سگی جادویی است که غم را از خاطر می‌زداید. تریستان پتی‌کرو را به سختی به دست می‌آورد و به

ایزوت هدیه می‌کند اما ایزوت آن را از خود دور می‌کند تا در غم فراق با یار برابر باشد. وصف پتی‌کرو چنین است:

این سگ جادویی بود [...] و یکی از پریان به یادگار عشق آن را به دوک داده بود [...] در گردنش زنگوله‌ای به زنجیر زرین آویخته بود و از آن آوازی چنان دل‌انگیز و صاف و شیرین برمی‌خاست که از شنیدن آن دل تریستان به وجد آمد و آرام یافت و همه اندوهش زایل شد (همان ۱۹۵).

در داستان‌های غربی، معمولاً سگ از شخصیت‌های مهم است اما به‌نظر می‌رسد در داستان‌های ایرانی، به دلایل شرعی، سگ کمتر همچون شخصیتی اثرگذار و هم‌نشین با قهرمان نمود می‌یابد. در ادبیات فارسی، اسب یکی از بن‌مایه‌های مهم حیوانی و از یاریگران قهرمان است، مانند شب‌دیز و گلگون در خسرو و شیرین. حضور اسب در داستان‌های غنایی تفسیر شده است:

مایه و پایه پیوند دلدادگان و شیفتگان و نشانه به‌سر آمدن دوران جدایی و ملال است. [...] لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، بیژن و منیژه و نظایر آن‌ها، بدان مدد جسته و کام دل برمی‌گرفته‌اند و غالباً نام آن اسبان با نام سواران نامبردارشان مترادف آمده‌است (ماحوزی ۲۱۰-۲۱۱).

در نمادشناسی عرفانی داستان خسرو و شیرین، شب‌دیز را نمودگار روح می‌دانند زیرا روح مرکب عشق است (پورجوادی ۲۴۹). فارغ از تعابیر عرفانی، مطابق روایت نظامی، شب‌دیز اسبی افسانه‌ای و نمادین با نسب خاص از مادیان و سنگی سیاه است. گلگون نیز که همزاد و جفت اوست، نقش و شخصیتی نمادین دارد. آنها علاوه بر پیش‌بردن رابطه خود، مرکب عشق و وصال عاشق و معشوق هستند:

نه از شیرین جدا می‌گشت پرویز نه از گلگون گذر می‌کرد شب‌دیز
(نظامی ۱۱۶)

بن‌مایه شخصیت‌ها		
بن‌مایه	تریستان و ایزوت	خسرو و شیرین
پادشاه	مارک‌شاه	خسرو
عاشق	تریستان	خسرو
معشوق	ایزوت زرین‌موی	شیرین
بشارت‌دهنده	-	نیای خسرو (انوشیروان)
رقیب	ایزوت سپیددست/ مارک‌شاه	فرهاد/ مریم/ شکر اصفهانی/ شیرویه
استاد (معلم)	گورونال	-
وزرا	آندره/ گتلون/ گوندوین/ دنولن	بزرگ امید
کنیز/ ندیم	برانژی‌ین/ پری نیس	شاپور/ کنیزان قصر خسرو/ کنیزکان شیرین
یارِیگر قهرمان	گورونال/ دیناس لیدانی/ کاهردن/ برانژی‌ین/ پری نیس/ هوسدان/ پتی‌کرو	شاپور/ مهین‌بانو/ شبدیز/ گلگون
سرپرست عاشق یا معشوق	روهالت	مهین‌بانو

۲. بن‌مایه‌های اساطیری، افسانه‌ای و جادویی

معمولاً بن‌مایه‌های اساطیری، افسانه‌ای و جادویی در داستان‌های عاشقانه سنتی نمود دارند و منجر به افزایش بعد تخیلی اثر می‌شوند. از مهم‌ترین بن‌مایه‌های این گروه مهردارو و ازدهاکشی است.

۲.۱ بن‌مایه مهردارو

مهردارو در تریستان و ایزوت از آمیختن شراب با گیاهان، گل‌ها و ریشه‌ها به دست می‌آید. در اساطیر ایرانی، از مهرگیا یا مردم‌گیا نام برده شده است که مانند مهردارو خاصیتی جادویی دارد. «گیاهی است که با هر کس که باشد، محبوب‌القلوب خلق گردد» (تبریزی، ذیل مهرگیا). بعضی نیز معتقدند که مفهوم مهرگیا یا مردم‌گیا مرتبط با افسانه عاشقانه «مشی و مشیانه» است و کلمه مهر در این ترکیب‌ها مفهوم محبت ندارد

(واشقانی فراهانی ۲۵۷). در *تریستان* و *ایزروت* چنین آمده است: «کسانی که آن را بنوشند از دل و جان به هم عاشق می‌شوند و جاودانه در زندگانی و مرگ یکدیگر را دوست می‌دارند» (بدیه ۷۰).

گره اصلی این رمانس بر اثر خاصیت جادویی و جبری مهردارو ایجاد می‌شود و تریستان و ایزوت ناگزیر و ابدی عاشق یکدیگر می‌شوند. گره‌گشایی داستان نیز در سایه خاصیت مهردارو است زیرا با سوق دادن عشاق به مرگ و تحمل نکردن فراق به داستان خاتمه می‌دهد. مهردارو گناه خیانت به حرم پادشاه و عشق ممنوعه را نیز توجیه می‌کند. در خسرو و شیرین، به دلیل شخصیت خاص و قوی شیرین، به او صفت جادو و جادویی‌سازی داده می‌شود اما اثری از عوامل افسانه‌ای و جادویی مانند مهردارو نیست. البته شیرین صرفاً از شیر تغذیه می‌کند و با آن‌که این موضوع عجیب و افسانه‌ای است تأثیری بر سرنوشت داستان ندارد و گویی صرفاً برای ورود فرهاد به داستان استفاده شده است. خالی بودن این منظومه از عناصر جادویی باعث شده که جریان داستان حاصل اختیار، انتخاب و عملکرد شخصیت‌ها باشد.

۲.۲ بن‌مایه اژدهاکشی

اژدها عنصری افسانه‌ای است و عاشق معمولاً برای وصال باید مرحله اژدهاکشی را طی کند. گاهی اژدها در سرزمین معشوق است و پادشاه، با وعده پاداش، پهلوانان را ترغیب به کشتن اژدها می‌کند و در صورت موفقیت پهلوان ازدواج او با دختر پادشاه، یعنی معشوق، ممکن می‌شود. نمونه آن در *تریستان* و *ایزروت* چنین است: «پادشاه ایرلند منادی کرده است که دخترش ایزوت زرین‌موی را به کسی می‌دهد که این اژدها را بکشد» (۵۵). در خسرو و شیرین شروط دیگری برای رسیدن به معشوق مطرح می‌شود. خسرو شرط کندن کوه و باز کردن راه رفت‌وآمد را برای فرهاد می‌گذارد و با اکراه، و نیز با اطمینان از برآورده نشدن شرط، وعده می‌دهد که در صورت تحقق این امر از شیرین دست می‌کشد:

میان کوه راهی کند باید چنانک آمد شد ما را بشاید

این شرط نیز، مانند ماجرای ساختن جوی شیر برای شیرین، اغراق‌آمیز است و اغراق عقلاً ممکن و عادتاً محال است (شمیسا ۹۵). از طرفی در *تریستان* و *ایزوت* غلو وجود دارد به طوری که عقلاً و عادتاً محال است، مانند اژدهاکشی. بن‌مایه‌های افسانه‌ای و جادویی در این داستان، به نسبت خسرو و شیرین، نمود بیشتری دارد زیرا دو اثر، با وجود شباهت ژانری، تفاوت زیرژانری دارند. *رمانس تریستان* و *ایزوت*، علاوه بر بن‌مایه‌های بزمی و غنایی، آکنده از بن‌مایه‌های غلوآمیز رزمی و حماسی است و افسانه در بستر حماسی بیشتر شکوفا می‌شود اما خسرو و شیرین مبتنی بر اغراق‌های غیررزمی است و بیشتر بر بن‌مایه‌های بزمی و غنایی تکیه دارد.

بن‌مایه‌های اساطیری، افسانه‌ای و جادویی		
بن‌مایه	تریستان و ایزوت	خسرو و شیرین
اژدهاکشی	*	-
حیوانات جادویی و شگفت‌انگیز (سگ/اسب)	*	*
مهردارو	*	-
خودرویی گیاه عشقه	*	-
گنج	-	*
بوستان جادویی	*	-

۳. بن‌مایه‌های عناصر طبیعی و نمادین

برخی از عناصر طبیعی وجه بن‌مایگی دارند، مانند زهر که مانع وصال عاشق و معشوق و عامل نابودی قهرمان است و در *تریستان* و *ایزوت* نیز مکرر دیده می‌شود. برخی دیگر از بن‌مایه‌ها، فارغ از داشتن وجه طبیعی یا غیرطبیعی، نمادین هستند، مانند بن‌مایه انگشتی و درخت.

۳.۱ بن‌مایه انگشتی

انگشتی شیء متبرکی است که معمولاً در قصه‌ها ابزار شناسایی قرار می‌گیرد یا به عشاق نشان داده می‌شود و به دنبال آن پیغامی منتقل خواهد شد، مانند آنچه ایزوت به *تریستان* می‌گوید:

ای یار، من انگشتری فیروزه‌ای دارم، آن را به یادگار عشق از من بستان و همیشه در انگشت خود نگه دار، هر گاه پیکی دعوی کند که از سوی تو آمده است من هر چه بکنم یا بگویم سخنش را باور نخواهم کرد مگر آن که این انگشتری را به من نشان بدهد (بدیه ۱۶۳).

شاپور نیز انگشتری خسرو را به عنوان ابزار شناسایی به شیرین می‌دهد:

بدان مشکوی مشک‌آگین فرود آی کنیزان را نگین شاه بنمای

(نظامی ۷۱)

حلقه انگشتری مفهوم نمادین نیز دارد و «علامت یک وصلت، یک عهد، یک اشتراک، یک سرنوشت به هم پیوسته است» (شوالیه و گربران، ج ۳، ۱۹). میان ترستان و ایزوت نیز انگشتری رد و بدل می‌شود و سرنوشت آنان به هم پیوسته است. حتی مارک‌شاه هم به نشان تعهد و وصلت انگشتری به انگشت ایزوت می‌کند. انگشتری خسرو نیز، که در اختیار شیرین قرار می‌گیرد، نشان از عهد و سرنوشت مشترک دارد.

۳.۲ بن‌مایه درخت

بن‌مایه درخت در آثار ادبی بسامد زیادی دارد زیرا انواع آن مفاهیم و کارکردهای نمادین متنوعی دارند. درخت «به دلیل تغییر دائمی خود، نماد زندگی است» (همان ۱۸۷). در ترستان و ایزوت، این بن‌مایه در فصلی با عنوان «کاج بلند» دیده می‌شود. درخت کاج بیشتر در خاور دور جنبه نمادین دارد و علامت سعادت، انتظار، بازگشت به زندگی دوباره و جاودانگی است (همان، ج ۴، ۵۰۲-۵۰۴). در ترستان و ایزوت، مارک‌شاه از آخرین قرار ملاقات ترستان و ایزوت زیر درخت کاج آگاه می‌شود و قصد دارد ترستان را بکشد اما گویی درخت کاج و مخروط آن مایه نجات عشاق از مرگ و بازگشت آنان به زندگی می‌شود: «همین که ترستان او [ایزوت] را می‌بیند آغوش می‌گشاید و به سوی او می‌شتابد. آنگاه شب و سایه مهربان کاج ایشان را در پناه می‌گیرند» (بدیه ۹۴).

در خسرو و شیرین، زمانی که فرهاد خبر مرگ شیرین را می‌شنود، تیشه خود را که دسته‌ای از چوب نار دارد بر بلندای کوه می‌اندازد و دسته آن در خاک نمناکی فرو می‌رود:

از آن دسته برآمد شوشه نار درختی گشت و بار آورد بسیار
از آن شوشه کنون گر نار یابی دوی درد هر بیمار یابی

(نظامی ۲۶۲)

اولین تفسیر نمادین برای انار جنبه باروری آن است (شوالیه و گبران، ج ۱، ۲۵۰). سخن نظامی نیز بیانگر وجه باروری و زایایی برای انار و نماد جاودانگی عشق فرهاد به لحاظ تاریخی و مفهومی است.

بن‌مایه‌های عناصر طبیعی و نمادین		
بن‌مایه	تبرستان و ایزوت	خسرو و شیرین
سنگ	-	*
شیر (خوراکی)	-	*
تار مو	*	-
انگشتری	*	*
زهر	*	-
آب	-	*
درخت	*	*
شراب	*	*

۴. بن‌مایه مفاهیم، موضوعات و حوادث

گسترده‌ترین بن‌مایه‌های مشترک در داستان‌های عاشقانه ملل مربوط به مفاهیم، موضوعات و حوادث است. در داستان‌های مورد بررسی نیز، به دلیل وجود فضای درباری و عشق‌های مثلثی، بسیاری از این بن‌مایه‌ها مشترک هستند.

۴.۱ بن‌مایه سفر

سفر از حد یک بن‌مایه قوی فراتر می‌رود و یکی از کنش‌های اصلی قهرمان محسوب می‌شود. این بن‌مایه در قصه‌های پریان یکی از گونه‌های قهرمان، یعنی جستجوگر یا قربانی، را می‌سازد (رک: پراپ ۱۰۲-۱۰۶). در داستان‌های عاشقانه ممکن است قهرمان در مقاطعی از داستان هر دو نقش جستجوگر و قربانی را داشته باشد و سفر او نیز بر

مبنای هیچ‌کدام از خویشکاری‌های قصه‌های پریان نباشد؛ یعنی قهرمان در مسیر زندگی خود، یا برای رسیدن به معشوق یا در جریان یک رابطه عاشقانه، داوطلبانه یا ناگزیر سفرهایی در پیش داشته باشد.

تریستان بارها نقش جستجوگر و قربانی را می‌پذیرد. ایزوت زرین‌موی نیز هر دو نقش جستجوگر و قربانی را ایفا می‌کند. خسرو در مقاطعی قربانی است و در مقاطعی جستجوگر؛ مثلاً زمانی که از بدخواهان دربار می‌گریزد، قربانی است و زمانی که برای بازگرفتن سلطنت خود عزیمت می‌کند، جستجوگر است. اما شیرین هرگز مسافری قربانی نیست و همواره نقش جستجوگر را دارد.

۴.۲ بن‌مایه عشق ممنوعه / گناه‌آلود

بن‌مایه عشق وجه کهن‌الگویی دارد، زیرا مضمون عشق و ارتباط عاشقانه از دغدغه‌های مشترک انسان‌ها در طول تاریخ بوده است. این بن‌مایه از نوع مادر و زاینده است و فرزندان گوناگونی مانند بی‌وفایی، خیانت، عشق ممنوعه و... در ملل مختلف دارد. از عوامل شکل‌گیری بن‌مایه‌های متفاوت در دو داستان مورد بررسی تفاوت کشمکش و موانع وصال است. «داستان عاشقانه غرب غالباً شرح عشق و عاشقی زن و مردی است که یک تن از آنان یا هر دو ازدواج کرده‌اند و بنابراین عشقشان لاجرم به زنا می‌انجامد» (ستاری، ۱۳۸۳: ۲۵۶). در *تریستان* و *ایزوت* نیز عشق ممنوعه سبب پیچیدگی داستان و شکل‌گیری شبکه‌ای از بن‌مایه‌های مرتبط، مانند آزمایش بی‌گناهی، دیدارهای پنهانی و تهدید شدن عشاق، احساس گناه و... می‌شود اما در رابطه عاشقانه خسرو و شیرین گره پیچیده‌ای وجود ندارد. در این منظومه، کشمکش بر اساس تفاوت فرهنگی و عقیدتی عاشق و معشوق است (برامکی و سجودی ۸). شیرین خواهان ازدواج رسمی است و خسرو کام گرفتن از شیرین را بدون ازدواج می‌خواهد. این امر وصال را به تعویق می‌افکند اما شبکه پیرنگ و بن‌مایه‌های داستان را گسترده نمی‌کند.

۴.۳ بن‌مایه خیانت

بن‌مایه‌های خیانت به معشوق و خیانت در حرم پادشاه در هر دو اثر به صورت متفاوت دیده می‌شود. تریستان با ناامیدی از عشق ایزوت زرین‌موی به او خیانت می‌کند و بنای

ازواجی ناتمام با ایزوت سپیددست را می‌نهد. در مقابل، خسرو، بر اثر شکست در کام گرفتن از شیرین و میل به هوسرانی، با شکر اصفهانی ازدواج می‌کند و در عشق به شیرین خیانت می‌کند. تفاوت دو عاشق در ناامیدی از عشق و کامیابی است. در بن‌مایه خیانت در حرم پادشاه، تریستان و ایزوت، به‌رغم خواسته باطنی خود، به مارک‌شاه خیانت می‌کنند. این امر برخلاف قواعد معمول در رمانس شهسواری است زیرا در این گونه ادبی، شوالیه باید صادقانه در خدمت ولی‌نعمت خود باشد (میرصادقی ۱۶۰). این خلاف‌آمد با خاصیت جبری مهردارو توجیه می‌شود و نه تنها احساسات منفی در مخاطب تولید نمی‌کند بلکه شاید وصال آنان از خواسته‌های مخاطب می‌شود. در خسرو و شیرین، خیانت در حرم پادشاه از گونه دیگری است. شیرویه دل‌باخته شیرین می‌شود و پدر خود را به قتل می‌رساند. شیرین خودکشی بر بالین خسرو را به همراهی با شیرویه ترجیح می‌دهد. وجود بن‌مایه خیانت در هر دو اثر به زیرژانر عاشقانه آنها و کهن‌الگوهای جهانی مربوط می‌شود. تفاوت‌های این بن‌مایه در آثار مورد بررسی نیز به سلیقه پدیدآورندگان آثار در شکل‌دهی پیرنگ و تفاوت‌های فرهنگی و عقیدتی در جوامع شکل‌گیری هر یک از داستان‌هاست.

۴.۴ بن‌مایه مرگ

در داستان‌های مورد بررسی، بن‌مایه مرگ عشاق وجود دارد. در تریستان و ایزوت «عشاق با مردن از درد عشق، در حقیقت از سرنوشت خویش، یعنی عشق محتوم مقدر، که طلسمش همان مهردارو است، انتقام می‌گیرند» (ستاری، ۱۳۷۹: ۳۲۳-۳۲۴). اما در واقع، خاصیت جادویی مهردارو اجازه نمی‌دهد آنان طاقت زیستن بدون یکدیگر را داشته باشند و ناگزیرند مرگ را انتخاب کنند. مهردارو عشق را جاودانه می‌کند. وقتی تریستان با شنیدن دروغ ایزوت سپیددست از آمدن ایزوت زرین‌موی ناامید می‌شود، چنین واکنشی دارد: «دیگر نمی‌توانم جان را در تن نگه دارم. پس سه بار گفتم: «ای یار، ایزوت!» و در چهارمین بار جان داد» (بدیه ۲۷۷).

مرگ ایزوت زرین‌موی نیز نشانگر بن‌مایه مرگ در آغوش یار است: «کنار یار خود آرمید و بر دهان و چهره اش بوسه زد و تنگ در برش کشید و لب بر لب و تن بر تن او نهاد و بدین حال جان داد. در آغوش یار و از غم مرگ او مرد» (بدیه ۲۷۸).

در خسرو و شیرین، غیر از مرگ فرهاد که مانند تریستان قربانی فریب می‌شود و از غم فراق یار می‌میرد، مرگ عشاق از گونه پدرکشی و خودکشی است. شیرویه پدر و رقیب خود را می‌کشد. این بن‌مایه در داستان‌های درباری بیش از دیگر داستان‌ها رواج دارد، زیرا معمولاً پسر به دارایی‌های پدر، از جمله ملکه و تخت سلطنت، طمع می‌ورزد و انگیزه از میان برداشتن پادشاه را دارد.

بن‌مایه خودکشی معمولاً در داستان‌های عاشقانه با پایان تلخ رواج دارد زیرا عشاق مرگ را به زندگی بدون یکدیگر ترجیح می‌دهند. خودکشی شیرین نمونه بارز این بن‌مایه است و، مشابه سرنوشت ایزوت زرین‌موی، نمود مرگ در آغوش یار است:

بدان آیین که دید آن زخم را ریش همانجا دشنه‌ای زد بر تن خویش
پس آورد آنگهی شه را در آغوش لبش بر لب نهاد و دوش بر دوش

(نظامی ۴۲۳)

بن‌مایه‌های مفاهیم، موضوعات و حوادث					
بن‌مایه	تریستان و ایزوت	خسرو و شیرین	بن‌مایه	تریستان و ایزوت	خسرو و شیرین
بی‌فرزندی پادشاه	*	*	شهوت و کامجویی	*	*
عاشق شدن با شنیدن وصف	-	*	ناامیدی	*	*
عاشق شدن با دیدن تصویر	-	*	انتظار کشیدن	*	*
عاشق شدن با شنیدن صدا	-	*	طعنه زدن	*	-
ازمایش اثبات بی‌گناهی	*	-	بی‌قراری عاشق و معشوق	*	*
بزم‌های عشاق	-	*	بی‌وفایی عاشق/ پایبندی به معشوق	*	*
ترک وطن/ فرار	*	*	پیش‌بینی ستاره‌شناس	*	-
ترک حکومت	-	*	پیغام فرستادن	*	*
انفاق	*	-	حاسدان	*	*
تغییر چهره/ لباس مبدل	*	-	آمدن نزد عاشق به شب	*	-
تعبیر خواب	*	*	بازگشت شاهزاده به سرزمین خود	*	*

*	*	شرط گذاشتن برای عاشق	*	-	خودکشی عشاق
*	*	بدنامی	*	*	مرگ معشوق بر بالین عاشق
-	*	بی‌اعتنایی به عاشق	-	*	بیماری و شفای عاشق / داروی شفابخش
*	-	بی‌اعتنایی به معشوق	*	*	دسیسه / دسیسه قتل
*	*	حکم قتل / حکم ناعادلانه	-	*	دیدارهای پنهانی عشاق
*	*	نیرنگ / دروغ	-	*	جادو
-	*	تدبیر / زیرکی	*	*	رقابت عشقی
*	*	خدا متکار	*	*	سفر / ناشناس سفر کردن
*	*	سؤال و جواب / مناظره	-	*	سختی در راه رسیدن عاشق به معشوق
-	*	توفان	*	*	شکار
*	*	سوء قصد به جان کسی	*	*	عتاب معشوق با عاشق
*	*	شفاعت کردن	*	-	عشق فرزندخوانده به نامادری
*	*	غیرت پادشاه	*	*	عشق‌های حاشیه‌ای
*	*	عشق ممنوعه / گناه‌آلود	*	*	نسب شاهانه عشاق
*	*	فراق	*	*	واسطه
*	*	عهد و پیمان	*	*	خیانت به معشوق / خیانت در حرم پادشاه
*	*	ادب فرزندی	-	*	اتهام
-	*	از خودگذشتگی	-	*	اجتناب داماد از نوعروس
-	*	ازدهاکشی	*	*	اجتناب عروس از داماد
-	*	استاد / معلم	*	*	احتضار
-	*	توبه	-	*	اختفا
-	*	اضطراب	-	*	اخراج (تبعید)
*	*	باکرگی	*	*	نهی عاشق و معشوق
*	*	افسردگی	*	*	ازدواج بیرون مرزی
-	*	افشای راز / افشای عشق	*	*	جنگ با دشمن
-	*	اقرار به گناه	*	*	مهمان شدن در سرزمین معشوق
*	*	عروس مهاجر	*	*	پشیمانی
			*	*	رنجش عاشق و معشوق از یکدیگر

۵. بن‌مایه مکان‌ها

مکان‌های هر داستانی به اقتضای پیرنگ آن انتخاب می‌شوند. با وجود پیرنگ‌های متنوع، تعدادی از مکان‌ها کم‌وبیش به صورت مشترک در داستان‌ها دیده می‌شوند. در

آثار مورد بررسی نیز اشتراکاتی در حوزه بن‌مایه‌های مکانی وجود دارد اما مهم‌تر از وجه اشتراک، وجوه نمادین بن‌مایه‌های مکانی است. اینک به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم.

۵.۱ بن‌مایه جنگل و کوه

در *تریستان و ایزوت*، به واسطه تعقیب و گریزهایی که پیش می‌آید، جنگل مکان مناسبی برای اختفای عاشق و معشوق فراری است و فصلی از رمانس «جنگل موروا» نام دارد. از طرفی، جنگل، در مناطق گوناگون، مکانی برای عزلت و نوعی حرم و معبد بوده است (شوالیه و گبریان، ج ۲، ۴۵۴). *تریستان و ایزوت* نیز در جنگل به صومعه‌ای برخورد می‌کنند و پیر صومعه آنها را از گناه خیانت منع می‌کند. هرچند *تریستان و ایزوت* پند پیر را نمی‌پذیرند، پس از مدتی در همان جنگل، به یاری او، از گناه خیانت توبه می‌کنند و برای مدتی از یکدیگر فاصله می‌گیرند.

در *خسرو و شیرین* نیز بن‌مایه مکانی کوه دیده می‌شود. مانعی که خسرو بر سر راه فرهاد می‌گذارد شرط کندن کوه است. فرهاد به خوبی از این مانع عبور می‌کند اما خسرو فرهاد کوه‌کن را، که خود مانعی بزرگ مانند کوه است، نه با هنر و توانمندی، بلکه با مکر، از سر راه برمی‌دارد. نظامی فرهاد را در شنیدن خبر مرگ شیرین به صورت نمادین وصف می‌کند و بن‌مایه کوه را عمیق‌تر می‌کند:

چو افتاد این سخن در گوش فرهاد ز طاق کوه چون کوهی در افتاد

(نظامی ۲۵۶)

۵.۲ بن‌مایه آسمان

در *تریستان و ایزوت*، بن‌مایه آسمان با بن‌مایه دریا پیوند می‌یابد و در *خسرو و شیرین* با بن‌مایه چشمه. *تریستان و ایزوت* در زیر آفتاب سوزان و در کشتی‌ای که بر دریا روان است، مهردادو را می‌نوشند. حکم و قضای الهی زیر سقف آسمان و بر فراز دریا بر آنها نازل می‌شود و عشق ابدی آغاز می‌گردد. *خسرو* نیز اولین بار شیرین را در چشمه

می‌بیند و لازم به ذکر است که برخی از دیدارهای تریستان و ایزوت نیز در نزدیکی چشمه است.

بن‌مایه چشمه در داستان‌های عاشقانه پرسیامد است زیرا «نزدیک چشمه‌ها و چاه‌ها ملاقات‌های مهم انجام می‌شده است. نزدیک آب عشق متولد می‌شود» (ذوالفقاری و قنبریان شیاده ۵۵). مکان چشمه زیر سقف آسمان است و این‌گونه به بن‌مایه آسمان مرتبط می‌شود، جایی که حکم قضا می‌تواند بدون مانع فرود آید. نقطه اوج عاشق شدن خسرو نیز، مانند برخی دیگر از داستان‌های عاشقانه، در فضایی باز است، یعنی در زیر آسمان (رک: پورجوادی ۲۵۱).

بن‌مایه مکان‌ها		
بن‌مایه	تریستان و ایزوت	خسرو و شیرین
چشمه	-	*
کوه	-	*
جنگل	*	-
دریا	*	-
دربار/ قصر	*	*
آسمان	*	*
عبادتگاه (دیر/ آتسخانه)	*	*

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی رمانس تریستان و ایزوت و منظومه خسرو و شیرین نشان می‌دهد که داشتن ژانر مشابه و عضویت در خانواده «ادبیات جهان» بن‌مایه‌های مشترکی را به نمایش می‌گذارد. در اینجا بحث تقلید یا توارد آثار ادبی مطرح نیست، بلکه روح و دغدغه‌های مشترک جهانی در آثار ادبی است که منجر به خلق بن‌مایه‌ها و مضامین مشابه در ادبیات ملت‌ها می‌شود. در این پژوهش، علاوه بر شباهت‌های دو اثر مورد بررسی، تفاوت‌های آن‌ها نیز عیان شد.

به‌طور کلی دریافتیم که بن‌مایه‌های هر دو اثر در پنج گروه شخصیت‌ها؛ عناصر اساطیری، افسانه‌ای و جادویی؛ عناصر طبیعی و نمادین؛ مفاهیم، موضوعات و حوادث؛ مکان‌ها قابل بررسی است. در این طبقه‌بندی، ۱۱۶ بن‌مایه قرار گرفت و ۱۲ نمونه از آنها در این مقاله بررسی و تحلیل شد. بن‌مایه‌های مشترک بیشتر در دو گروه شخصیت‌ها و مفاهیم، موضوعات و حوادث دیده می‌شود. از ۱۰ نوع شخصیت اصلی و فرعی درجه یک، ۸ نوع در هر دو اثر مشترک است و از ۷۷ بن‌مایه شناخته‌شده در گروه مفاهیم، موضوعات و حوادث نیز در آثار مورد بررسی ۴۵ بن‌مایه مشترک وجود دارد. این امر حاکی از شباهت بالای ساختار و محتوای *تریستان و ایزوت و خسرو و شیرین* است. در گروه عناصر اساطیری، افسانه‌ای و جادویی کمترین وجوه اشتراک دیده می‌شود زیرا در منظومه *خسرو و شیرین* واقع‌گرایی بر جادو و افسانه غلبه دارد و در *تریستان و ایزوت* برعکس است. در گروه‌های عناصر طبیعی و نمادین و مکان‌ها نیز کم‌وبیش بن‌مایه‌های مشترک دیده می‌شود و این امر برخاسته از سیر و گردش نمادها و کهن‌الگوها در خانواده ادبیات جهان است.

شباهت‌ها و تفاوت‌های کلی دو اثر محصول شباهت یا تفاوت ژانر یا نوع ادبی آنها است، به این معنی که *رمانس تریستان و ایزوت* از نوع غنایی — حماسی یا بزمی — رزمی است و منظومه *خسرو و شیرین* کاملاً غنایی است. شباهت کلی آنها نیز حاصل زیرژانر عاشقانه درباری است و این میزان قرابت در آثار دیگر مانند *ویس و رامین* کمتر دیده می‌شود. شباهت در جزئیات داستان‌ها نیز به روح مشترک بن‌مایه‌های جهانی مربوط است، مانند شباهت‌هایی که در بن‌مایه رقیب و یاریگر قهرمان دیده می‌شود. تفاوت‌های جزئی نیز ناشی از اختلاف سلیقه پدیدآورندگان داستان‌ها و برخی تفاوت‌های فرهنگی است، مانند بن‌مایه خیانت در حرم پادشاه و پیامدهای آن، که در هر دو اثر مطابق با اعتقادات و سنت‌های جامعه پیش می‌رود.

منابع

آبرامز، مایر هوارد؛ گالت هرفم، جفری. *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی*. ترجمه سعید سبزیان. تهران: رهنما، ۱۳۹۴.

- آذر، امیراسماعیل؛ نجفی، مهناز. «تأثیرپذیری اروپا از اندیشه نظامی». *نقد زبان و ادبیات خارجی*. ۱۵/۱۱ (۱۳۹۴): ۴۳-۱۳.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. *جام جهان‌بین: مجموعه مقاله‌های ادبی*. تهران: کتابخانه ایرانمهر، ۱۳۴۶.
- انوشیروانی، علی‌رضا. «ادبیات جهان: از اندیشه تا نظریه». *ادبیات تطبیقی*. ۱/۲ (۱۳۹۰): ۲۳-۴۱.
- بدیه، ژورف. *تریستان و ایزوت*. ترجمه پرویز ناتل خانلری. تهران: نیلوفر، ۱۳۸۶.
- برامکی، اعظم؛ سجودی، فرزانه. «عروس مهاجر، تثبیت هویت فرهنگی «خود» در سرزمین میزبان از طریق فرایند دیگرسازی در منظومه خسرو و شیرین نظامی». *کهن‌نامه ادب پارسی*. ۳/۵ (۱۳۹۳): ۱-۲۴.
- بیر، گیلیان. *رمانس*. ترجمه سودابه دقیقی. تهران: مرکز، ۱۳۹۵.
- بیگدلی، غلامحسین. «داستان خسرو شیرین نظامی و ادبیات ترک». *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*. ش ۸۹ (۱۳۴۸): ۲۵-۴۰.
- پارسانسب، محمد. «بن‌مایه: تعاریف، گونه‌ها، کارکردها و...». *فصلنامه نقد ادبی*. ۵/۱ (۱۳۸۸): ۴۰-۷.
- پراپ، ولادیمیر. *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس، ۱۳۹۶.
- پراور، زیگبرت سالمن. *درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی*. ترجمه علی‌رضا انوشیروانی، مصطفی حسینی. تهران: سمت، ۱۳۹۳.
- پورجوادی، نصرالله. «شیرین در چشمه». *نشر دانش*. ش ۶۴ (۱۳۷۳): ۲۴۶-۲۵۵.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف. *برهان قاطع*. ج چهارم. تهران: کتابفروشی ابن‌سینا، ۱۳۴۲.
- خاتمی، احمد؛ طالشی، یداله. «مقایسه تطبیقی داستان لیلی و مجنون با ایزوت و تریستان». *فصلنامه ادبیات داستانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه*. ۱/۱ (۱۳۹۱): ۱-۱۵.
- دامغانی ثانی، کاظم. «مقایسه ویس و رامین و تریستان و ایزوت». *کیهان فرهنگی*. ش ۲۱۸ (۱۳۸۳): ۶۴-۶۸.
- ذوالفقاری، حسن. *یکصد منظومه عاشقانه فارسی*. تهران: چشمه، ۱۳۹۴.
- ذوالفقاری، محسن؛ قنبریان شیاده، سکینه. «خوانش نشانه‌شناسی لایه‌ای در فرایند معنایی منظومه خسرو و شیرین نظامی». *متن‌شناسی ادب فارسی*. (۱۳۹۷): ۴۹-۶۲.
- راستگوفر، سیدفرید و دیگران. «شکل‌شناسی تطبیقی غم‌نامه‌ها». *فصلنامه علمی تخصصی در ادبیات غنایی، عرفانی*. ۴/۴ (۱۳۹۱): ۶۱-۷۶.

- ستاری، جلال. *پیوند عشق میان شرق و غرب*. تهران: فردا، ۱۳۷۹.
- ستاری، جلال. *سایه ایزوت و شکرخند شیرین*. تهران: مرکز، ۱۳۸۳.
- ستاری، جلال. «اسطوره‌الگوی ایرانی ترستان و ایزوت». *بخارا*. ش ۴ (۱۳۷۷): ۳۲-۴۷.
- شادآرام، علیرضا و دیگران. «نقش زنان در دو داستان ترستان و ایزوت و ویس و رامین». *ادبیات تطبیقی*. ۱/۲ (۱۳۸۹): ۱۱۹-۱۳۶.
- شادآرام، علیرضا؛ درودیان، فرهاد. «مقایسه ترستان و ایزوت و ویس و رامین». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*. ۲۹/۷ و ۳۰ (۱۳۸۹): ۷۱-۸۹.
- شمیسا، سیروس. *نگاهی تازه به بدیع*. تهران: میترا، ۱۳۸۶.
- شوالیه، ژان؛ گبران، آلن. *فرهنگ نمادها*. ترجمه سودابه فضایی. ج ۱-۴. تهران: جیحون، ۱۳۸۲-۱۳۸۵.
- گودرزپور عراق، افسون. «تطبیق دو اثر منظوم ترستان و ایزولد اثر گوتفرد فون اشتراسبورگ و ویس و رامین از فخرالدین اسعد گرگانی». *مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی)*. ش ۱۴ (۱۳۸۸): ۸۹-۱۰۴.
- ماحوزی، مهدی. «اسب در ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. ش ۱۴۶ و ۱۴۷ (۱۳۷۷): ۲۰۹-۲۳۵.
- محمدکاشی، صابره و دیگران. «تحلیل و مقایسه کهن‌الگویی قصه‌های عاشقانه در ایران (سمک عیار) و فرانسه (ترستان و ایزولت)». *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*. ۲/۳ (۱۳۹۴): ۱۸۳-۲۰۷.
- مکاریک، ایرنا ریما. *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*. ترجمه مهراں مهاجر. تهران: آگه، ۱۳۹۳.
- ممتحن، مهدی؛ شایسته‌فر، نعیمه. «تطبیق دو داستان ویس و رامین و ترستان و ایزوت». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. ۱۴/۴ (۱۳۸۹): ۱۴۷-۱۵۸.
- میرصادقی، جمال؛ میرصادقی، میمنت. *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*. تهران: کتاب مهناز، ۱۳۸۸.
- نظامی، الیاس بن یوسف. *خسرو و شیرین*. حواشی و تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره، ۱۳۸۶.
- واشقانی فراهانی، ابراهیم. «سرآغاز گیاهان در اساطیر ایرانی». *مطالعات ایرانی*. *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. ۱۷/۹ (۱۳۸۹): ۲۳۷-۲۶۲.